

یک فعال کارگری از کارنامه روشن بانک رفاه می گوید

خدمت شفاف و بدون حاشیه بانک رفاه به کارگران

حمید حاج اسماعیلی، فعال حوزه کارگری می گوید استدلال مدافعان واگذاری سهام بانک رفاه کارگران مبنی بر لزوم شفافیت بر هزینه کرد منابع، استدلال باطلی است. وی تأکید دارد منابع بانک‌ها معمولاً به جای اینکه صرف کار و تولید شود، صرف کارهای دیگری شده و این موضوع کارنامه عملکرد بانک‌ها را غیر شفاف می‌سازد، اما این موضوع درباره بانک رفاه کارگران صدق نکرده و نخواهد کرد. این فعال حوزه کارگری توضیح می‌دهد به علت اینکه بانک رفاه کارگران بانکی صنفی و اختصاصی مربوط به سازمان تأمین اجتماعی است، از اساس تخلفی در آن وجود نداشته است. البته این بانک همواره برای خدمت‌رسانی به کارگران و افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی گام‌های مهم و بلندی برداشته است. علاوه بر این به گواه گزارش‌های عملکردی، بیشتر منابع این بانک صرف امور بیمه‌شدگان و امور صنفی مربوط به سازمان تأمین اجتماعی می‌شود. حاج اسماعیلی تأکید دارد با مدیریت ویژه و نظارت‌های خوب بر بانک رفاه، در صورتی که این بانک از زیر سایه دلهره‌آور واگذاری به بخش خصوصی بیرون آید، می‌تواند در آینده شرایط بهتری نسبت به وضعیت فعلی هم داشته باشد.



به عنوان یک صاحب‌نظر در حوزه امور مربوط به کارگران؛ چرا تا این حد درباره بانک رفاه کارگران تناقض و تضاد دیدگاه وجود دارد. به عقیده شما، می‌توان بانک رفاه را یک بانک دولتی نامید؟

متأسفانه از گذشته یک برداشت اشتباه در مورد نهادهای غیردولتی که توسط دولت مدیریت می‌شود، وجود داشته و آن مداخله در امور آن سازمان‌هاست که درباره سازمان تأمین اجتماعی هم از گذشته، چنین دخالت‌هایی را از طرف دولت‌ها شاهد بودیم. خب این مفهوم به لحاظ بخش خصوصی -دولتی و خصولتی هنوز در کشور زیاد شفاف نیست؛ چون اقتصاد ما یک اقتصاد دولتی است و بیش از ۸۵ درصد اقتصاد در اختیار این نهاد قرار دارد. یک فهم عمومی و اشتباهی که در حوزه مدیران در کشور وجود دارد این است که هر سازمان و نهادهای در کشور فعالیت می‌کند، مالکیت آن را دولتی تلقی کرده و فکر می‌کنند می‌توانند به لحاظ قانونی و حقوقی برای آن سازمان تصمیم‌گیری کنند. آنچه در سازمان تأمین اجتماعی مبتنی بر سازوکارهای مدیریتی هست، به یک نهاد غیردولتی مربوط است که نهاد دولت هم در آنجا نقش دارد و فعالیت می‌کند، اما بیمه‌شدگان صاحبان اصلی سازمان تأمین اجتماعی هستند و برای

به نظر شما و بگردو واکنش مناسب برای مقابله با تصمیم جداسازی این بانک از سازمان تأمین اجتماعی چیست؟ و سازمان چگونه می‌تواند در قبال چنین تصمیم خلاف قانون و خلاف منفعت کارگران ایستادگی کند؟

خوشبختانه در این فرصت مدیران سازمان تأمین اجتماعی نیز واکنش نشان دادند، حتی برخی اعضای هیأت‌مدیره نیز واکنش‌هایی داشتند. به نظر من، این موضوع خود می‌تواند گام مثبتی باشد که نظرات تصمیم‌گیری برای سازمان تأمین اجتماعی نهایتاً باید با تصمیم

بسیاری از کارشناسان هشدار می‌دهند این تصمیم، پوشش خدمات به کارگران و بیمه‌شدگان و البته بازنشستگان را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. حتی برخی جامعه‌شناسان نسبت به اینکه ممکن است این تصمیم موجی از نارضایتی‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد، هشدار می‌دهند. این نگرانی‌ها چقدر بجاو و بر واقعیت استوار است؟

گذشته گاه‌به دلیل مشکلات مالی، سازمان دچار کمبود نقدینگی برای پرداخت حقوق و مزایا شد که می‌توانست از بانک رفاه مبلغی را به صورت استقراضی اخذ و بعداً نیز آن را تسویه کند. بنابراین اینها همه امتیازاتی است که بانک رفاه می‌تواند برای تأمین اجتماعی به عنوان یکی از دارایی‌های جدی سازمان داشته باشد. من فکر نمی‌کنم هیچکدام مدیران سازمان اجازه ندهند که بانک رفاه به بخش خصوصی واگذار شود. بانک رفاه حتماً یکی از هم‌افزایی‌های پوشش مشکلات سازمان تأمین اجتماعی در آینده خواهد بود و حفظ این بانک برای سازمان یک نیاز جدی و ضروری است.

در روزهایی که اخبار تخلف از برخی بانک‌ها به گوش می‌رسد، گفته می‌شود بانک رفاه هیچ تخلف و فساد اقتصادی نداشته است. آیا این موضوع نشان‌دهنده آن نیست که این بانک بهتر است همچنان زیر نظر قوانین بانکداری، اما متصل به تأمین اجتماعی باقی بماند؟

معمولاً به جای اینکه صرف کار تولید کنند، صرف کارهای دیگر می‌کردند. اما این موضوع در خصوص بانک رفاه صدق نمی‌کند؛ چون بانک رفاه بانکی صنفی و اختصاصی مربوط به سازمان تأمین اجتماعی است که به نظر من این موارد بر آن صدق نمی‌کند. مضاف بر اینکه بیشتر منابع این بانک صرف امور بیمه‌شدگان و امور صنفی مربوط به سازمان تأمین اجتماعی می‌شود. من فکر می‌کنم با مدیریت ویژه و نظارت‌های خوب این بانک می‌تواند در آینده شرایط بهتری نسبت به وضعیت فعلی هم داشته باشد.

اگر سرانجام این اتفاق بیفتد، به نظر شما، میزان آسیب اقتصادی و مالی به منابع و درآمدهای سازمان تا چه حد است؟

مشکلات مالی این سازمان نیز افزایش یابد، بنابراین اگر منابع سازمان تأمین اجتماعی به درستی حفظ نشود حتماً دچار مشکل خواهد شد. اعتقاد من این است بانک رفاه چند جنبه اساسی و امتیاز برای سازمان داراست؛ اول اینکه چون سازمان تأمین اجتماعی با منابع مالی گسترده روبه‌روست و ماهانه بخش زیادی از منابع نقدی به سازمان واریز می‌شود حتماً به یک بانک نیاز دارد، غیر از این موضوع نیز به شما گفتیم ممکن است در شرایط خاص متناسب با نیاز به نقدینگی نیازمند باشد که بازهم این موضوع را یک بانک می‌تواند برایش تأمین کند. در عین حال منابع بانک هم دارایی‌های سازمان است که می‌تواند به صورت اختصاصی و خیلی جدی مدیریت شود که اینها همه امتیازاتی است که بانک رفاه برای سازمان تأمین اجتماعی دارد. همچنین مسئله بانکداری که در خصوص شرایط بنگاهداری و انتقال به بانک‌های دولتی مطرح است باید کاملاً جدا از این موضوع تلقی کرد. من فکر می‌کنم بانک رفاه امتیازی برای سازمان تأمین اجتماعی محسوب می‌شود؛ بنابراین حتماً باید آن را حفظ کند.

یکی از مشکلاتی که در خصوص بانک‌ها به صورت عمومی مطرح بوده، بنگاهداری‌ای است که نظام بانکی در کشور انجام داده است. به صورت کلان، این انتقاد به بانک‌ها وارد است. اما شما توجه کنید بانک رفاه یک بانک اختصاصی است؛ نه جزو بانک‌های خصوصی به حساب می‌آید و نه جزو بانک‌های دولتی. آنچه بیشتر مطرح است انتقادها به بانک‌های دولتی است، چون وظیفه آنها تسهیل‌گری در کشور است و معمولاً کار سوداگری انجام می‌دادند و به نوعی بنگاهداری می‌کردند. منابع بانک را

یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های این است که منابع سازمان با هزینه‌های آن سازگاری پیدا نکند که این نگرانی همیشه وجود داشته که اگر دچار ناترازی در درآمدها و پرداخت‌ها شویم سازمان می‌تواند به سمت ورشکستگی حرکت کند. سازمان تأمین اجتماعی با همه انتقادها و ضعف‌هایی که ممکن است به آن وارد باشد یکی از موفق‌ترین و بهترین سازمان‌های غیردولتی در ایران است. یعنی به تعداد جمعیتی که خدمات می‌دهد و تحت پوشش هستند و خدمات گسترده‌ای که می‌گیرند نشان می‌دهد سازمان یکی از نهادهای بسیار موفق طی ۷۰ سال گذشته در ایران بوده است. ما باید این نهاد را به عنوان یک شاکله اصلی در امر خدمات‌دهی و امر بیمه‌ای در کشور حفظ کنیم، زیرا از سازمان‌های بسیار مهم و مدرن در ایران است. بنابراین برای اینکه این سازمان حفظ شود حتماً باید دارایی‌های آن به نحو درستی سرمایه‌گذاری شود و منابع درآمداش توسعه یابد؛ زیرا به دلیل تعداد جمعیت و همچنین به دلیل شرایط اقتصادی و تورم ممکن است

علی‌اکبر عیوضی عضو هیأت‌مدیره کانون بازنشستگان کارگری استان تهران:

بازنشستگان، قربانیان اصلی واگذاری بانک رفاه

علی‌اکبر عیوضی عضو هیأت‌مدیره کانون بازنشستگان کارگری استان تهران می‌گوید واگذاری سهام بانک رفاه، در شرایطی که این بانک به هیچ عنوان متعلق به دولت نیست و دولت تنها بر عملکرد این بانک از طریق اعمال قوانین بانک مرکزی نظارت دارد، تخلف قانونی روشنی است. وی تأکید دارد این تصمیم جامعه بازنشستگان را با چالش‌های جدی مواجه کرده و خدمات تعهد شده به بیمه‌گذاران را به صورت جدی تهدید می‌کند. علاوه بر این، این تصمیم ساختار مهمی همانند تأمین اجتماعی و بانک رفاه را از هم گسسته و آینده نهادهایی از این دست را در سایه تردید قرار می‌دهد.



مجلس یازدهم در بررسی بودجه سال ۱۴۰۱ مجدداً بر مسأله واگذاری سهام بانک رفاه کارگران تأکید کرد. استدلال نمایندگان اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی است، اما سازمان تأمین اجتماعی اصرار دارد که از اساس بانک رفاه ذیل این بند از قانون اساسی قرار نمی‌گیرد. سیاست‌های اصل (۴۴) چه نگاهی به نهادهای همچون بانک رفاه کارگران که به سازمان تأمین اجتماعی وابسته است، دارد؟

بانک رفاه کارگران به هیچ‌وجه مشمول سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نمی‌شود. دولت حق واگذاری سهام آن را ندارد. با این واگذاری در نخستین مرحله پرداخت مستمری بازنشستگان و پس از آن پرداخت وام و... به آنها و غیر از بازنشستگان با چالش جدی مواجه می‌شود. به بیان روشن‌تر، وضعیت دریافت خدمات، حقوق بازنشستگی، وام و ارائه خدمات درمانی و بیمه‌ای و بازنشستگی ۴۵ میلیون نفر تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی به این تصمیم در وضعیتی مبهم قرار خواهد گرفت.

سازمان تأمین اجتماعی و مخالفان این تصمیم به سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی که پس از این تصمیم مجلس توسط مقام رهبری ابلاغ شد، تأکید دارند و می‌گویند بر اساس این سیاست‌ها در عمل مصوبه مجلس باید ملغی تلقی شود؛ چرا که مخالف اسناد بالادستی یعنی همین سیاست‌های ابلاغی است. از نگاه شما چنین امری چقدر صحیح است؟

اول اینکه فرمودش نکندیم سیاست‌های ابلاغی و اسناد بالادستی قانون و لازم‌الاجر و همه نهادهای موظف به تبعیت از آن هستند. در این سیاست‌ها که فروردین ماه سال جاری ابلاغ شد «عدم تحمیل طرح‌های فاقد تضمین»، «تأمین منابع پایدار»، «تعادل بین منابع و مصارف» و «حفظ و ارتقاء ارزش دارایی‌های صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی» جزء تکالیف ابلاغی است. مشخصاً با واگذاری سهام بانک رفاه، این تکالیف نه تنها بر زمین می‌ماند که در

عمل نفی نیز می‌شود؛ یعنی مسیر در جهت تضاد آن طی می‌شود. بنابراین این واگذاری با سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی که یک قانون بالادستی است، تعارض کامل دارد و با هیچکدام از تکالیف آن همخوانی ندارد.

این روزها مجدداً از مزه‌هایی در مورد واگذاری بانک رفاه به گوش می‌رسد؛ بانکی که سال‌هاست به عنوان بانک عامل سازمان تأمین اجتماعی، خدمات متنوعی به بیمه‌شدگان کارگری ارائه می‌دهد و به نوعی کارگزار مالی صندوق تأمین اجتماعی است.

به همین منظور قرار است وزارت اقتصاد و دارایی در مجمع بانک رفاه کارگران به نیابت، سهامدار غالب و تعیین‌کننده باشد، اما این تصمیم یعنی استیلای کامل نهاد دولت بر سرنوشت بانک عامل کارگران. تسلط نهاد دولت بر این حوزه چه نگرانی را در پی دارد؟ چرا تا این اندازه از دولتی شدن این بانک اظهار نگرانی می‌شود و چرا بر این موضوع تأکید فراوانی است که تأمین اجتماعی اگر چه ممکن است مدیریت دولتی داشته باشد اما اموال آن غیر دولتی است؟

بانک رفاه کارگران تاریخی پر فرازونشیب را پشت سر گذاشته، اما قطعاً و بدون هیچ تردید، همواره متعلق به کارگران بوده است. هیچ زمان این بانک، سهامداران عمده خصوصی نداشته است. دولتی شدن آن تمام پتانسیل‌های فعلی آن را از بین می‌برد. این بانک زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی است و از آنجا که سازمان تأمین اجتماعی بر اساس اساسنامه و قوانین فرادستی، نهادهای عمومی و بین‌نسلی و متعلق به گروه‌هایی خاص از جمعیت کشور است، لذا به هیچ‌وجه «نهادهای دولتی» به شمار نمی‌آید. لاجرم بانک رفاه کارگران که متعلق به این نهاد است، به طریق اولی به هیچ‌وجه «دولتی» نیست و از این استدلال سرراست می‌توان خیلی ساده نتیجه گرفت که «اصل (۴۴) قانون اساسی» به هیچ عنوان در ارتباط با بانک رفاه کارگران معنا نمی‌یابد. واگذاری از طریق الزامات اصل (۴۴) قانون اساسی به معنای خصوصی‌سازی اموال، دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی است.

حرکت بر مدار قانون

علی‌بابایی کارنامی

رییس فراکسیون کارگری مجلس یازدهم

مجلس شورای اسلامی به صورت عمومی و کلی همواره سعی بر حرکت بر مدار قانون در عین تأمین منافع گروه‌های مختلف را دارد. اگر چه در سال‌های اخیر مسأله واگذاری سهام بانک رفاه کارگران در موارد مختلف و موضوعات قانونی طرح و در این رابطه نیز مصوباتی تصویب شد، اما همواره دغدغه رعایت و حمایت از حقوق کارگران در بین نمایندگان مجلس، بخصوص فراکسیون کارگری در دوره یازدهم وجود داشته است. با توجه به اهمیتی که قانون برای خانه‌ملت و وکلای مردم در خانه ملت دارد مشخصاً باید درباره واگذاری سهام این بانک هم به تأکیدات قانونی در این خصوص توجه داشت. به طور مشخص بر اساس اصل (۴۴) قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در این زمینه، بانک رفاه کارگران و سازمان تأمین اجتماعی در تقسیم‌بندی نهادها، «حاکمیتی» تلقی نمی‌شود؛ چرا که تمامی وجوه موجود در این بانک و البته صندوق‌های تأمین اجتماعی از طریق حق بیمه افراد تحت پوشش تأمین شده و به بیان کلی‌تر این بانک متعلق به کارگران است. بر اساس قانون زمانی که چنین ساختار بندی در ذات یک سازمان و بانک وجود دارد طبیعتاً باید اداره و تصمیم‌گیری درباره نحوه مدیریت سهام آن نیز توسط کارگران صورت پذیرد؛ چرا که بر اساس آخرین آمارهای اعلام شده بالغ بر ۴۴ میلیون کارگر در کشور در حال پرداخت حق بیمه خود هستند. به صورت کلی باید توجه داشت که بانک رفاه از دهه ۳۰ شمسی از محل پرداخت

و پس‌انداز حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی ایجاد شده و دولت‌های مختلف در هیچ زمان، نه در تأمین و نه در تزیق اعتبار و سرمایه در این بانک نقشی ایفا نکردند، بنابراین نهاد دولت در اعتبارات این بانک سهمی ندارد و از اساس اینکه می‌گویند این بانک متعلق به کارگران است و متعلق به دولت نیست، نیز بر این اساس است. بر اساس نص قانون، تنها امکان نظارت از جانب نهاد دولت بر عملکرد این بانک از طریق چار چوب قوانین بانک مرکزی ممکن است که البته بانک رفاه کارگران در این سال‌ها عموماً در این چار چوب فعالیت کرده و بعضاً حتی بدهی‌های دولت‌ها به سازمان تأمین اجتماعی نیز بر سر این بانک سایه افکنده است. من در صحبت‌های پیشین در مجلس شورای اسلامی نیز تأکید داشتم که مطابق با روح قانون اساسی و تفسیر حقوق‌آمد و تشکیلات‌های صنفی می‌توان سهام بانکی که متعلق به کارگران است را به غیر کارگر واگذار کرد و به تعبیر فعالان حوزه کارگری و حقوقدان‌های این عرصه، اگر تصمیمی در این رابطه گرفته نشود نوعی اقدام خلاف قانون رخ داده؛ چرا که سهام بانکی که قانونی و شرعی متعلق به کارگران است نباید به افرادی خارج از جامعه کارگری واگذار شود. در این خصوص نگرانی‌هایی جدی از جانب جامعه کارگری درباره تلاش برای واگذاری سهام بانک رفاه از جمله «احتمال اختلال در روند ارائه خدمات به بیمه‌شدگان و بازنشستگان»، «اخلال در روند پرداخت وام‌ها» و «احتمال ایجاد کسری بودجه سازمان برای پرداخت مستمری بازنشستگان» وجود دارد که مجلس شورای اسلامی و کمیسیون اجتماعی این دغدغه‌ها را مورد بررسی قرار خواهد داد.